موضوع: مراجعه 48 ، بررسی حدیث 36

حدیث 36 از مراجعه 48

از پیامبر اکرم (ص) روایت شده که فرمود: «السّبّق ثلاثة: السابق الی موسی، یوشع بن نون و السابق الی عیسی، صاحب یاسین و السابق الی محمد (ص)، علی بن ابی طالب»: سبقت گیرندگان سه نفرند: سبقت گیرنده به موسی (ع)، یوشع بن نون بود و سبقت گیرنده به عیسی (ع)، صاحب یاسین (مؤمن آل یاسین) بود و سبقت گیرنده به محمد (ص)، علی بن ابی طالب بود.

سند این حدیث بررسی شد و معلوم شد که این حدیث از نظر سند اعتبار دارد زیرا اولا رجال بعضی از طرق حدیث معتبر هستند ثانیا: طرق این حدیث هم متعدد است و ثالثا شواهد فراوانی دارد.

سپس بحث به پیشتازی امیرالمومنین (ع) در ایمان به رسول خدا (ص) رسید. مطالبی در جلسه قبل بیان شد. در ادامه به بررسی ادامه بحث می پردازیم.

پیشتازی امیرالمؤمنین (ع) در ایمان به رسول خدا (ص)

حاکم نیشابوری از زید بن ارقم روایت کرده که اولین فردی که با رسول خدا (ص) اسلام آورد، علی بن ابی طالب (ع) بود. سپس گفته است: سند این حدیث صحیح است، اما سخن در این است که ابوبکر نخستین فرد بالغی بود که اسلام آورد و علی بن ابی طالب (ع) قبل از بلوغ اسلام آورد.[[1]](#footnote-1)

مفاد این عبارت آن است که اسلام آوردن علی (ع) قبل از بلوغ بر اسلام دیگران مقدم بوده است و در این مطلب اختلافی وجود ندارد. اختلاف در این است که اسلام آوردن ابوبکر بر افراد بالغ مقدم بوده است یا نه.[[2]](#footnote-2)

حاکم، همچنین از سلمان روایت کرده که پیامبر (ص) فرمود: اولین کسی از شما که بر حوض (کوثر) وارد می شود، اولین کسی است که اسلام آورد، یعنی علی بن ابی طالب.[[3]](#footnote-3)

حاکم نیشابوری همچنین از ابن عباس روایت کرده که گفته است: علی (ع) دارای چهار خصلت ویژه بود: اولین فردی از عرب و عجم بود که با رسول خدا (ص) نماز خواند؛ در هر جنگی (که علی (ع) حضور داشت) پرچم دار بود؛ در روز مهراس (روز احد) با او صبر کرد، و پیامبر (ص) را غسل داد و داخل قبر گذاشت.[[4]](#footnote-4)

روایت دیگری که حاکم نیشابوری نقل نموده از علی (ع) است که فرمود: «من بنده خدا و برادر رسول خدا (ص) و صدیق اکبر هستم. پس از من کسی جز دروغ گو چنین ادعایی نخواهد کرد. من هفت سال قبل از اینکه فردی از این امت خدا را عبادت کند، نماز گزاردم».[[5]](#footnote-5)

ذهبی، نخست این حدیث را باطل دانسته و گفته است: هنگامی که رسول خدا (ص) به پیامبری مبعوث شد، خدیجه، ابوبکر، بلال و زید ایمان آوردند و با پیامبر (ص)، خدا را عبادت کردند، پس چگونه علی (ع) هفت سال یگانه فردی بود که با پیامبر (ص) خدا را عبادت می کرد؟ اما سپس گفته است: شاید راوی دچار خطا شده و سخن علی (ع) این بوده که من در هفت سالگی خدا را عبادت کردم.[[6]](#footnote-6)

این سخن امیرالمؤمنین (ع) که من هفت سال قبل از دیگران، همراه با پیامبر (ص) خدا را عبادت می کردم و نماز می گزاردم، در روایت های متعددی نقل شده است و این احتمال که راوی در شنیدن و نقل آن خطا کرده است، یعنی امام (ع) گفته است: من در هفت سالگی همراه با پیامبر (ص) خدا را عبادت می کردم و راوی دچار خطا شده و تصور کرده است که امام (ع) گفته است: من هفت سال قبل از دیگران خدا را عبادت می کردم – چنان که ذهبی گفته- بعید است، چنان که قول مشهور در مورد سن علی (ع) هنگامی که به پیامبر اکرم (ص) ایمان آورده، ده سالگی است، نه هفت سالگی. به نظر وجه صحیح در این باره این است که چون حضرت علی(ع) از دوران کودکی نزد رسول خدا (ص) بود، به پیروی از پیامبر (ص) در آن دوران به مدت هفت سال آغاز نبوت، خدا را عبادت می کرده است. از ظاهر گزارش های تاریخی به دست می آید که امیرالمؤمنین (ع) در زمانی که رسول اکرم (ص) از ابوطالب درخواست کرد که او را نزد خود ببرد و سرپرستی اش را عهده دار شود، حدود سه سال داشته است، لذا در زمان بعثت ده سال داشته و مدت هفت سال قبل از آن ملازم پیامبر (ص) بوده و خدا را عبادت می کرده است. این مطلب در خطبه قاصعه نهج البلاغه به گونه ای بیان شده است: «شما موقعیت مرا نسبت به پیامبر (ص) از نظر خویشاوندی و منزلت ویژه می دانید. او مرا در کودکی در دامان خود جای داد، مرا به سینه می چسبانید و در بستر خود می خوابانید و لقمه در دهانم می گذاشت. او هرگز از من دروغی نشنید و کار ناپسندی مشاهده نکرد. خداوند از هنگام کودکی پیامبر، بزرگترین فرشته خود را با او همراه کرده بود تا در شب و روز مکارم و محاسن اخلاق عالم را بشناسد و به کار بندد. و من مانند بچه شتری که از مادرش جدا نمی شد، از او پیروی می کردم، و هر روز از اخلاق خود به من می آموخت و به پیروی از خود فرمان می داد».[[7]](#footnote-7)

ابن ابی الحدید در توجیه روایت مزبور همین وجه را بیان کرده است، با این تفاوت که وی دیدگاه ابوالقاسم بلخی و دیگران را که سن علی (ع) هنگام بعثت را سیزده سال دانسته اند، برگزیده است. به اعتقاد آنان علی(ع) هنگامی که پیامبر (ص) سرپرستی اش را بر عهده گرفت، شش سال داشت. بنابراین هفت سال قبل از بعثت، همراه با پیامبر (ص)، خدا را عبادت می کرد. وی به این سخن امیرالمؤمنین (ع) که فرموده است: من مدت هفت سال که با پیامبر (ص) بودم، صدای فرشته را که با پیامبر (س) سخن می گفت می شنیدم و نور (غیبی) را مشاهده می کردم و رسول خدا (ص) در آن زمان صامت بود و مأذون به انذار و تبلیغ نبود (به رسالت مبعوث نشده بود) را شاهد بر مطلب یاد شده دانسته و یادآور شده است که عبادت کودک در شش سالگی، اگر از قوه تمییز برخوردار باشد، صحیح است.[[8]](#footnote-8)

ابن ابی الحدید در شرح این سخن امیرالمؤمنین (ع) که فرموده است: «فإنّی ولدت علی الفطرة»[[9]](#footnote-9) نیز مطالبی را بیان کرده است که با این بحث مرتبط است، چنان که گفته است: «مقصود امیرالمؤمنین (ع) از اینکه بر فطرت دینی به دنیا آمده است – با اینکه این مطلب عمومیت دارد و «کل مولود یولد علی الفطرة» می باشد – این است که گر چه زمانی که آن حضرت به دنیا آمد، عصر جاهلیت بود، اما او در فضا و فرهنگ جاهلی رشد نکرد، زیرا او در سی سال پس از عام الفیل به دنیا آمد و رسول خدا (ص) چهل سال پس از عام الفیل به رسالت مبعوث گردید. در اخبار صحیح آمده است که آن حضرت ده سال قبل از مبعوث شدن به رسالت، صدای غیبی را می شنید و نور غیبی را مشاهده می کرد، اما کسی او را مخاطب قرار نمی داد و این ها ارهاص برای رسالت او بود. بنابراین حکم آن ده سال در حقیقت حکم دوران رسالت بود. بر این اساس حکم مولودی که در آن دوران متولد شده، اگر در دامان او پرورش یافته باشد، حکم مولود عصر رسالت و پس از جاهلیت است. امیرالمؤمنین(ع) اینگونه بود و به این جهت با دیگران تفاوت داشت».[[10]](#footnote-10)

حاکم نیشابوری در حدیث دیگری از ابن عباس، خصلت های دهگانه ویژه ای را برای علی (ع) بیان کرده است که یکی از آنها این است که او اولین فردی بود که پس از خدیجه (س) به پیامبر (ص) ایمان آورد: «و کان علی اوّل من آمن من الناس بعد خدیجه».[[11]](#footnote-11)

محب الدین طبری، علاوه بر نقل روایت های یاد شده درباره اینکه علی (ع) نخستین کسی بود که پس از خدیجه (س) به پیامبر (ص) ایمان آورد، چند روایت دیگر را نیز نقل کرده است:

1. سلمان گفته است: از پیامبر (ص) شنیدم که می فرمود: اولین کسی که روز قیامت بر حوض (کوثر) وارد می شود، اولین آنان در پذیرش اسلام است و او علی بن ابی طالب (ع) است.[[12]](#footnote-12)

2. عده ای نزد عمر درباره سبقت گیرندگان در پذیرش اسلام سخن می گفتند، عمر گفت: از رسول خدا (ص) شنیدم که می فرمود: علی (ع) دارای سه خصلت است – که دوست می داشتم یکی از آنها را می داشتم و اگر چنین می بود از همه آنچه خورشید بر آن می تابد برایم محبوب تر بود – من و عبیده و ابوبکر و جماعتی از اصحاب حضور داشتیم، رسول خدا (ص) دست بر شانه علی (ع) گذاشت و گفت: ای علی، تو در ایمان، اولین مؤمن و در اسلام اولین مسلم هستی و منزلت تو نزد من همانند منزلت هارون نزد موسی است.[[13]](#footnote-13)

3. علی (ع) فرموده است: من اولین کسی هستم که اسلام آورده است.[[14]](#footnote-14)

در چندین روایت از رسول اکرم (ص) نقل شده که خطاب به فاطمه زهرا (س) برخی از فضیلت های ویژه امیرالمؤمنین (ع) را بیان کرده که پیشتاز بودن او در پذیرش اسلام از آن جمله است:

1. معقل بن یسار گفته است: روزی رسول خدا (ص) از من خواست تا به عیادت فاطمه (س) برویم. وقتی بر او وارد شدیم، پیامبر (ص) جویای حال او شد. فاطمه (س) پاسخ داد: حزن و تنگدستیم شدید، و بیماریم طولانی شده است. رسول خدا (ص) به او فرمود: آیا راضی نیستی که تو را به ازدواج کسی در آوردم که پیشتازترین امت من در اسلام و داناترین و حلیم ترین آنان است.[[15]](#footnote-15) نورالدین هیثمی گفته است: در سند این حدیث خالد بن طهمان است که ابوحاتم و دیگران او را توثیق کرده اند، و سایر رجال آن ثقه اند[[16]](#footnote-16). حمزه احمد الزین (محقق کتاب المسند احمد) نیز سند آن را به خاطر خالد بن طهمان، حسن دانسته است.[[17]](#footnote-17)

احمد بن صدیق غماری نیز گفته است: رجال این حدیث ثقات اند.[[18]](#footnote-18)

2. ابن عساکر در حدیثی مسند از عایشه روایت کرده که گفته است: فاطمه (س) به من گفت که پیامبر اکرم(ص) فرمود: تو را به ازدواج کسی در آوردم که داناترین مؤمناین، برترین آنان در حلم و مقدم ترین آنان در پذیرش اسلام است.[[19]](#footnote-19)

3. ابن عساکر در حدیث مسند دیگری از اسماء بنت عمیس روایت کرده که گفت: رسول خدا (ص) به فاطمه(س) فرمود: تو را به ازدواج کسی در آوردم که مقدم ترین مسلمانان در پذیرش اسلام، بزرگ ترین آنان در حلم و عالم ترین آنان است.[[20]](#footnote-20)

4. وی در حدیثی دیگر از بریده روایت کرده که پیامبر اکرم (ص) به فاطمه (س) فرمود: آیا راضی نیستی که تو را به ازدواج کسی در آوردم که در اسلام بر دیگران پیش تر و علمش از دیگران بیش تر و حلمش از آنان برتر است و سوگند به خدا که دو پسر تو جوانان اهل بهشت می باشند.[[21]](#footnote-21)

این حدیث از طرق دیگری از علی (ع)، ابن عباس و ابوهریره نیز روایت شده و حدیث علی (ع) از ابن جریر صحیح دانسته شده است.[[22]](#footnote-22)

نتیجه

مجموع روایاتی که بیان گر این مطلب می باشند که علی (ع) نخستین کسی است که به پیامبر اکرم (ص) ایمان آورد و آیین اسلام را برگزید، متواترند و فارغ از اعتبار سنجی سندی، اعتبار آنها ثابت است. افزون بر اینکه سند شماری از آنها نیز حسن یا صحیح می باشد. این روایات دو دسته اند: برخی از آنها مطلق و برخی دیگر به پس از حضرت خدیجه (س) مقید اند، که بر اساس قاعده عقلایی حمل مطلق بر مقید، اطلاق دسته اول به تقیید دسته دوم، مقید می شوند و نتیجه آن است که علی (ع) پس از خدیجه کبری (س) نخستین فردی از امت اسلامی بوده است که به رسول اکرم (ص) ایمان آورده و آیین اسلام را برگزیده است. این مطلب مربوط به زمانی است که رسول اکرم (ص) به مقام رسالت مبعوث گردید، اما به لحاظ قبل از این زمان، ایمان و عبادت علی (ع) پس از رسول اکرم (ص) بر همگان مقدم بوده است.

بنابراین، مقتضای پژوهش عالمانه و منصفانه این است که امیرالمؤمنین (ع) نخستین فردی است که پس از حضرت خدیجه (س) به رسول خدا (ص) ایمان آورده است و ایمان و اسلام او بر ابوبکر و دیگران مقدم بوده است. اگر در برخی از روایات یا دیدگاه ها سخن از مقدم بودن ایمان ابوبکر به میان آمده است، در مقایسه با افراد دیگر است. اما این مطلب، مسلم و مورد اجماع نیست، و در برخی از روایات و اقوال ایمان آوردن او پس از ابوذر، و در برخی دیگر پس از ایمان آوردن پنج نفر یا پنجاه نفر ذکر شده است و نمونه هایی از این اقوال و روایات را بازگو نمودیم.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص 147. ذهبی نیز صحت سند این حدیث را تایید کرده است. [↑](#footnote-ref-1)
2. دلائل الصدق، ج2، ص 512 [↑](#footnote-ref-2)
3. المستدرک، ج3، ص 147. ذهبی درباره سند این حدیث سکوت کرده است. [↑](#footnote-ref-3)
4. همان، ج3، ص 120 [↑](#footnote-ref-4)
5. المستدرک، ج3، ص 121 [↑](#footnote-ref-5)
6. همان، پاورقی. ابن کثیر نیز اشکال ذهبی را بازگو کرده است. البداية و النهایة، ج3، ص 25 [↑](#footnote-ref-6)
7. نهج البلاغة، خطبه 238 (خطبه قاصعه) [↑](#footnote-ref-7)
8. شرح نهج البلاغة، ج1، ص 14- 15 [↑](#footnote-ref-8)
9. نهج البلاغة، خطبه 56 [↑](#footnote-ref-9)
10. شرح نهج البلاغة، ج4، ص 89 [↑](#footnote-ref-10)
11. المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص 121. ذهبی نیز صحت سند این حدیث را تایید کرده است. [↑](#footnote-ref-11)
12. الریاض النضرة، ج3، ص 96 [↑](#footnote-ref-12)
13. همان ؛ المناقب خوارزمی، ص 54- 55 ؛ تاریخ ابن عساکر، ج1، ص 361 [↑](#footnote-ref-13)
14. همان، فضائل الصحابة، ص 589،، ح 997 [↑](#footnote-ref-14)
15. المسند، احمد بن حنبل، ج15، ص 174، ح 20185 [↑](#footnote-ref-15)
16. مجمع الزوائد، ج9، ص 101 [↑](#footnote-ref-16)
17. المسند، ج15، ص 174، پاورقی [↑](#footnote-ref-17)
18. فتح الملک العلی، ص 162 [↑](#footnote-ref-18)
19. تاریخ مدینة الدمشق، ج42، ص 132 [↑](#footnote-ref-19)
20. همان [↑](#footnote-ref-20)
21. همان، ص 131. نیز ر.ک: المتفق و المفترق، ج1، ص 266 [↑](#footnote-ref-21)
22. فتح الملک العلی، ص 164 [↑](#footnote-ref-22)